

مجله حسابداری سلامت، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۵-۲۵.

قدرت ذی نفعان و افشای زیست محیطی

دکتر رضوان حجازی^۱، صونا علیزاده اقدم^۲ و دکتر فرزانه یوسفی اصل^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۹ تاریخ اصلاح نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر قدرت ذی نفعان بر مقدار و محتوای گزارشگری زیست محیطی شرکت‌ها بر اساس نظریه ذی نفعان است. قدرت ذی نفعان به عنوان متغیر مستقل بر اساس نظریه ذی نفعان و ویژگی‌های شرکتی به عنوان متغیرهای کنترلی بر اساس نظریه مشروعیت انتخاب شده است. مزیت معیار به کار رفته در پژوهش حاضر برای کمی کردن سطح افشای زیست محیطی نسبت به معیارهای استفاده شده در پژوهش‌های پیشین، تفکیک افشای زیست محیطی به افشای عمیق و سطحی است که بر اساس آن نه تنها می‌توان سطح افشای زیست محیطی را اندازه‌گیری کرد بلکه محتوای این افشا را نیز می‌توان بررسی کرد.

روش پژوهش: جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و نمونه پژوهش از ۵۹ شرکت صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ تشکیل شده است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندگانه بر اساس دو سطح افشای کل و سطح افشای عمیق آزمون شد.

یافته‌ها: ویژگی‌های شرکتی و قدرت اعتباردهندگان با سطح و عمق افشای زیست محیطی رابطه معنی‌داری دارد، درحالی‌که رابطه معنی‌داری بین قدرت سهامداران و حساب‌برسان با گزارشگری زیست محیطی مشاهده نشد. مقایسه میانگین افشا در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ نیز حاکی از وجود روندی افزایشی در میزان افشای زیست محیطی شرکت‌های بررسی شده، است.

نتیجه‌گیری: ویژگی‌های شرکتی و قدرت اعتباردهندگان از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سطح و محتوای گزارشگری زیست محیطی است. هم‌چنین، روند افزایشی در میانگین افشای زیست محیطی شرکت‌ها نشان‌دهنده افزایش تمایل آن‌ها برای گزارش این قبیل اطلاعات است.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری زیست محیطی، نظریه ذی نفعان، نظریه مشروعیت، ویژگی‌های شرکت.

۱. استاد بازنشسته، گروه حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (رایانامه: hejazi33@alzahra.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول؛ رایانامه: s.alizadeh81@gmail.com؛ دورنگار: ۰۲۱-۷۷۸۶۰۵۳۳).

۳. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران (رایانامه: f.yousefi@khatam.ac.ir).

مقدمه

انجام می‌شود. در نتیجه، این نوع گزارشگری از نظر سطح و محتوا بین شرکت‌ها بسیار متفاوت است. برخی از ذی‌نفعان تأثیرگذاری بیشتری بر تصمیم‌های مدیریت مبنی بر افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی دارند (۱). نتایج پژوهش‌های پیشین (۲) نیز نشان دادند که تصمیم‌های مدیریت مبنی بر افشای اطلاعات تحت تأثیر ویژگی‌های شرکت قرار دارد.

در پژوهش‌های پیشین (۱۱-۳) به مبانی نظری گزارشگری زیست‌محیطی یا محتوای اطلاعاتی آن برای سرمایه‌گذاران، پرداخته شده است. در برخی از پژوهش‌ها (۱۴-۱۲) ویژگی‌های شرکتی و تأثیر آن بر سطح افشای زیست‌محیطی بررسی شده است اما در رابطه با تأثیر ذی‌نفعان و قدرت آن‌ها بر افشای زیست‌محیطی تاکنون پژوهشی در ایران انجام نشده است. با توجه به اهمیت گروه‌های ذی‌نفع و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های شرکت، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر قدرت ذی‌نفعان بر سطح افشای زیست‌محیطی شرکت‌های ایرانی است. نظریه‌های مختلفی به‌ویژه نظریه مشروعیت و نظریه ذی‌نفعان برای توضیح و توجیه انگیزه‌های شرکت از افشای زیست‌محیطی مطرح می‌شود. نظریه‌های سیاسی-اجتماعی مانند نظریه‌های مشروعیت و ذی‌نفعان بر این عقیده استوارند که افشای زیست‌محیطی و اجتماعی پاسخی به فشارهای سیاسی و اجتماعی است و مسائل اقتصادی را نمی‌توان جدا از مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی کرد (۱۵). در این پژوهش برای دستیابی به هدف‌های پژوهش از ترکیب نظریه مشروعیت و نظریه ذی‌نفعان استفاده شده است که

هم‌زمان با رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر مشکلات جدی درباره مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی، مانند آلودگی محیط زیست، کمبود انرژی، گسترش بیماری‌ها و نبود پاسخ‌گویی کافی در این زمینه رو به افزایش است. وضعیت محیط زیست و تأثیر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بشر بر زیست بوم‌شناسی گسترش نگرانی‌هایی را در سطح جهانی نسبت به این نوع فعالیت‌ها به همراه داشته است (۱). نتیجه این موضوع تلاش دولت‌ها برای ترغیب شرکت‌ها در زمینه پاسخ‌گویی اجتماعی و زیست‌محیطی بیشتر است. پیامد این تلاش‌ها افزایش شرکت‌هایی است که یا در گزارش‌های سالانه یا از طریق گزارش‌های جداگانه به افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی می‌پردازند. در ایران، نیز طی سال‌های گذشته مسائل زیست‌محیطی توجه دولتمردان، پژوهشگران و نهادهای حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. سازمان حفاظت محیط زیست بیانیه‌های متعددی در رابطه با تأثیر زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی منتشر کرده است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در ایران است. هم‌چنین، هر چند بسیاری از شرکت‌ها افشای زیست‌محیطی را به‌منظور گزارش کردن تأثیر زیست‌محیطی عملکردشان توسعه داده‌اند اما از آنجا که در حال حاضر در ایران مقررات و استانداردهای مشخصی برای افشای مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در گزارش‌های سالانه در سطح شرکت‌ها به‌طور جداگانه یا یکپارچه وجود ندارد، گزارش زیست‌محیطی شرکت‌ها کاملاً داوطلبانه

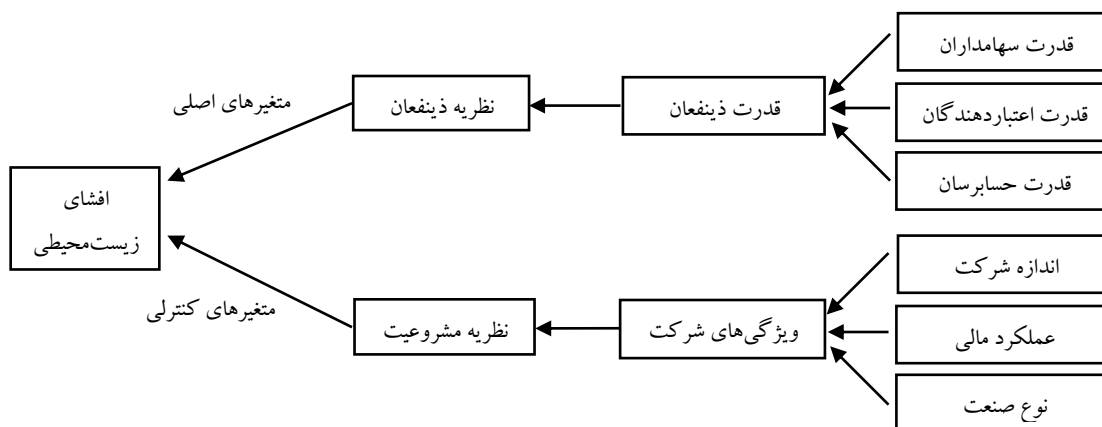
می‌تواند گام مؤثری در ارزیابی میزان افشای زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار و شناخت و درک انگیزه‌های موجود در این رابطه باشد. لذا، پژوهش حاضر به دنبال بررسی میزان افشای زیست‌محیطی در سطح شرکت‌های ایرانی و تأثیر قدرت ذی‌نفعان بر آن است.

برای کمی کردن سطح افشای زیست‌محیطی از تحلیل محتوا و از شاخصی که کلارکسون و همکاران بر اساس رهنمودهای جی.آر.آی بسط داده‌اند (۱۶)، استفاده شده است. مزیت این شاخص نسبت به دیگر شاخص‌ها این است که امکان بررسی افشای زیست‌محیطی را هم در سطح کمیت و هم محتوای آن فراهم می‌کند. بنابراین، پژوهش حاضر اطلاعات مفیدی در رابطه با کمیت و کیفیت افشای زیست‌محیطی شرکت‌های ایرانی و عوامل مؤثر بر آن ارائه می‌کند. در ادامه، ابتدا به مرور پیشینه و مبانی نظری پژوهش پرداخته خواهد شد. سپس، فرضیه‌ها و روش پژوهش بیان می‌شود. سرانجام، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه و تفسیر خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

همان‌طور که در بخش مقدمه گفته شد، در پژوهش حاضر از نظریه‌های سیاسی-اجتماعی (نظریه ذی‌نفعان و نظریه مشروعیت) برای بررسی سطح و ماهیت افشای زیست‌محیطی و شناسایی انگیزه‌های افشا و عوامل تأثیرگذار بر آن استفاده شده است. در ادبیات حسابداری زیست‌محیطی و اجتماعی، برخی از

پژوهش‌ها عملکرد اجتماعی و افشا را به معنی مدیریت ارتباطات با ذی‌نفعان تعریف می‌کنند (۱۹-۱۷). بر اساس نظریه ذی‌نفعان، انواع خاصی از اطلاعات برای کسب یا حفظ حمایت گروه‌های قدرتمند سهامدار افشا می‌شود. مطابق با این نظریه، یک سازمان برای حفظ مشروعیت خود به موافقت با انتقادهای ذی‌نفعان قدرتمند نیاز دارد. در حالی که، نظریه مشروعیت بر اهمیت توافق با جامعه تأکید می‌کند؛ در نظریه ذی‌نفعان این اعتقاد وجود دارد که جامعه ترکیبی از گروه‌های ذی‌نفع مختلف است که انتظارات مختلف و حتی متضاد دارد (۲۰). بنابراین، نظریه ذی‌نفعان، انتظارات ذی‌نفعان قدرتمند را توصیف می‌کند و ممکن است از سایر گروه‌های ذی‌نفع در جامعه چشم‌پوشی کند؛ زیرا، آن‌ها به طور نسبی قدرت کم‌تری دارند. در حالی که، نظریه مشروعیت دورنمای وسیع‌تری را بررسی می‌کند که میانگین انتظارات همه گروه‌های ذی‌نفع در یک جامعه است تا کارکردهای سازمانی را توضیح دهد (۲۱). در راستای نظریه ذی‌نفعان، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر قدرت سه گروه از ذی‌نفعان قدرتمند شامل سهامداران، اعتباردهندگان و حساب‌برسان بر سطح گزارشگری زیست‌محیطی شرکت‌ها است. به‌منظور تحلیل بهتر رابطه بین قدرت ذی‌نفعان و سطح گزارشگری زیست‌محیطی شرکت‌ها، متغیرهای کنترلی بر اساس نظریه مشروعیت انتخاب شد که شامل ویژگی‌های شرکت مانند اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت آن است. شکل شماره ۱ چارچوب مفهومی این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

تأمین وجوه مورد نیاز شرکت اقدام به افشای اطلاعات بیشتری در گزارش‌های سالانه خود خواهند کرد. برخی از پژوهش‌های پیشین نیز رابطه مثبتی بین نسبت بدهی و افشای زیست‌محیطی شناسایی کرده‌اند (۱۶، ۲۲ و ۲۳). بنابراین، بر اساس نظریه ذی‌نفعان فرض می‌شود رابطه مثبتی بین نسبت بدهی با میزان گزارشگری زیست‌محیطی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین قدرت اعتباردهندگان و سطح افشای زیست‌محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

قدرت حسابرسان

معمولاً تصور عموم بر این است که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر منصفانه‌تر و بی‌طرفانه‌تر عمل کرده و کم‌تر تحت تأثیر صاحب‌کاران خود قرار می‌گیرند. افزون بر این، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر مهارت و تجربه بیشتری در ترغیب صاحب‌کاران خود به افشای اطلاعات بیشتر و مربوط‌تر، دارند. پژوهش‌های پیشین نیز رابطه مثبتی بین قدرت حسابرسان و سطح

تدوین فرضیه‌های پژوهش

قدرت سهامداران

به نظر کیم هر چه توزیع مالکیت شرکت کم‌تر متمرکز باشد و بیشتر مالکیت در دست سهامداران خرد باشد، تقاضاهای مطرح‌شده از سوی سهامداران شرکت زیادتر خواهد بود. بنابراین، حضور بیشتر سهامداران خرد و مالکیت غیرمتمرکز موجب اعمال فشار بر مدیریت برای پاسخ‌گویی بیشتر خواهد شد (۷). لو و آیسکارا نشان دادند که قدرت سهامداران خرد بر سطح افشای زیست‌محیطی در شرکت‌های چینی مؤثر است (۱۹). بنابراین، فرض می‌شود رابطه منفی بین تمرکز مالکیت با سطح افشای زیست‌محیطی وجود دارد.

فرضیه اول: بین قدرت سهامداران و سطح افشای زیست‌محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

قدرت اعتباردهندگان

از دیدگاه نظریه ذی‌نفعان، شرکت‌هایی که نسبت بدهی زیادی دارند برای افزایش شانس خود به‌منظور

افشای زیست محیطی نشان می‌دهد (۶ و ۲۴). بنابراین، فرض می‌شود که رابطه مثبتی بین قدرت حساب‌رسان و مقدار افشای زیست محیطی وجود دارد. فرضیه سوم: بین قدرت حساب‌رسان و سطح افشای زیست محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

فرض می‌شود رابطه مثبتی بین مقدار افشای زیست محیطی با عملکرد مالی شرکت وجود دارد. فرضیه پنجم: بین عملکرد مالی و سطح افشای زیست محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

نوع صنعت

اندازه شرکت

بر اساس نظریه مشروعیت، جامعه به فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر توجه می‌کند. در نتیجه، شرکت‌های بزرگ‌تر تلاش بیشتری برای ارائه اطلاعات مربوط به عملکرد خود به منظور به دست آوردن حمایت جامعه و حفظ بقا انجام می‌دهند. بسیاری از پژوهش‌های پیشین (۲۸-۲۵) رابطه مثبتی بین سطح افشای زیست محیطی در گزارش‌های سالانه و اندازه شرکت‌ها شناسایی کرده‌اند. بنابراین، فرض می‌شود رابطه مثبتی بین سطح افشای زیست محیطی با اندازه شرکت‌ها در ایران وجود دارد. فرضیه چهارم: بین اندازه شرکت و سطح افشای زیست محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

مطابق نظریه مشروعیت انتظار می‌رود رابطه مثبتی بین نوع صنعت و سطح افشای زیست محیطی وجود داشته باشد. شرکت‌هایی که در صنایع آلاینده مشغول فعالیت هستند در معرض فشار بیشتری از سوی ذی‌نفعان و به‌طور کلی جامعه قرار دارند و ناچارند برای حفظ مشروعیت خود اطلاعات بیشتری افشا کنند. در پژوهش‌های پیشین نیز این رابطه اثبات شده است (۳۳-۳۱). بنابراین، فرض می‌شود رابطه مثبتی بین نوع صنعت و مقدار افشای زیست محیطی وجود دارد.

فرضیه ششم: بین نوع صنعت و سطح افشای زیست محیطی رابطه مثبتی وجود دارد.

پیشینه پژوهش

عملکرد مالی

معمولاً شرکت‌هایی که عملکرد مالی مثبت و حاشیه سود زیادی دارند، انگیزه بیشتری برای ارائه اطلاعات و ارتقای شهرت و اعتبار خود نزد جامعه دارند و برعکس. بر اساس نظریه مشروعیت نیز می‌توان انتظار چنین واکنشی را از سوی شرکت داشت. برخی از پژوهش‌های پیشین نیز رابطه مثبتی بین این دو متغیر ثبت کرده‌اند (۳۱-۲۸). بنابراین،

در رابطه با افشای اجتماعی و زیست محیطی و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن، پژوهش‌های متعددی در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده افشای اجتماعی و زیست محیطی را از زوایای مختلفی ارزیابی می‌کنند. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی و زیست محیطی با افشای آن می‌پردازد (۱۶ و ۳۴). در برخی دیگر رابطه بین

ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با افشای زیست‌محیطی و اجتماعی تحلیل می‌شود (۷، ۱۲، ۱۳، ۳۲ و ۳۸-۳۵). تعدادی از پژوهش‌ها نیز ویژگی‌های شرکتی را در این زمینه بررسی می‌کنند (۱۴-۱۲، ۳۹ و ۴۰). ویژگی‌های شرکتی نظیر اندازه شرکت، سودآوری، کشور و نوع صنعت نیز در برخی پژوهش‌ها مدنظر بوده است (۴۱). قدرت ذی‌نفعان نیز که شامل تأثیر گروه‌های مختلف مانند سهامداران، دولت، اعتباردهندگان، حساب‌برسان و سایر گروه‌های ذی‌نفع بر افشای اجتماعی و زیست‌محیطی است، در چندین پژوهش بررسی است (۱۹-۱۷). یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان افشای اجتماعی و زیست‌محیطی با قدرت ذی‌نفعان در ارتباط است. به‌عنوان نمونه، نتایج پژوهشی نشان می‌دهد قدرت سهامداران و اعتباردهندگان رابطه مثبتی با میزان افشای اجتماعی و زیست‌محیطی دارد (۱۸). لو و آیسکارا تأثیر قدرت ذی‌نفعان و ویژگی‌های شرکتی را بر افشای اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌های چینی بررسی کردند. گروه‌های ذی‌نفع بررسی شده در پژوهش آنان شامل دولت، سهامداران، اعتباردهندگان و حساب‌برسان بود و متغیرهای اندازه شرکت، عملکرد مالی، نوع صنعت و پذیرش در بورس اوراق بهادار سایر کشورها به عنوان ویژگی‌های شرکتی بررسی شد. نتایج پژوهش لو و آیسکارا نشان داد که افشای اجتماعی و زیست‌محیطی رابطه مثبتی با اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت دارد. هم‌چنین، در رابطه با قدرت ذی‌نفعان یافته‌های پژوهش نشان داد که قدرت سهامداران و اعتباردهندگان از مؤلفه‌های

تأثیرگذار بر افشای اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها است (۱۹). ولبک و همکاران به بررسی نوع اطلاعات زیست‌محیطی افشا شده در شرکت‌های کشور غنا، روند افشای این اطلاعات و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. آن‌ها از شاخص جی.آر.آی به‌عنوان الگو استفاده کردند و با تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه مربوط به ۱۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس غنا طی بازه زمانی ده ساله، این شرکت‌ها را به لحاظ مقدار افشای اطلاعات زیست‌محیطی رتبه‌بندی کردند. نتایج پژوهش ولبک و همکاران نشان داد که اندازه شرکت، استقلال حساب‌برسان و سن شرکت از عوامل تعیین‌کننده در مقدار افشای این نوع اطلاعات است (۴۲). بالوچ و همکاران تأثیر معیارهای کیفی شاخص جی.آر.آی بر کیفیت افشای زیست‌محیطی در شرکت‌های فرانسوی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که راهبرد و چشم‌انداز شرکت (وجود کمیته زیست‌محیطی)، تنوع در هیأت مدیره و عملکرد زیست‌محیطی تأثیر زیادی بر کیفیت گزارشگری زیست‌محیطی دارد (۴۳).

برخی از پژوهش‌های داخلی نیز مفاهیم پایه‌ای و نظریه‌های موجود در این حوزه و امکان‌سنجی تهیه گزارش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را بررسی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، حساس یگانه و برزگر در پژوهشی مفاهیم گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و تعاریف آن و نظریه‌های مختلف موجود در پیشینه این موضوع را مرور کردند (۴۴). جنانی و حیدری به بررسی مبانی نظری حسابداری و گزارشگری عملکرد زیست‌محیطی بر اساس مفاهیم

شرکت‌ها بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین انتظارات ذی‌نفعان و سطح واقعی افشای اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد (۴۸). یافتیان و همکاران به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در رابطه با افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی پرداختند و انتظارات آنان را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به گزارش اطلاعات اجتماعی در گزارش‌های سالانه علاقه‌مند هستند و اطلاعات بخش زیست‌محیطی برای آنان اهمیت بیشتری دارد (۴۹). باقرپورولاشانی و همکاران دیدگاه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را در مورد گزارش اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اغلب پاسخ‌دهندگان تمایل دارند شرکت‌ها اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی خود را گزارش کنند. از دید استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، این افشا باید شامل موضوع‌های بهداشت و ایمنی، انرژی، رویه‌های فعالیت عادلانه کسب‌وکار، موضوع‌های زیست‌محیطی، منافع انسانی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی باشد (۵۰). بررسی رابطه بین محتوای گزارش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و ویژگی‌های شرکتی تأثیرگذار نیز موضوع تعدادی از پژوهش‌های در این حوزه بوده است. به‌عنوان نمونه، طالب‌نیا و همکاران محتوای گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی و رابطه آن با برخی از ویژگی‌های شرکتی مانند اندازه شرکت، نوع صنعت و سودآوری را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین اندازه

حاکم بر حسابداری زیست‌محیطی، دستورعمل‌ها و رهنمودهای گزارشگری پایدار و امکان‌سنجی ارائه این گزارش‌ها در ایران پرداختند. آنان سه عامل مهمی که در انتشار گزارش‌های زیست‌محیطی نقش اساسی دارند، شامل قوانین و مقررات الزام‌آور، دانش مدیران مالی و اعتقاد مدیران مالی به مزایای گزارشگری زیست‌محیطی را تحلیل کردند و نشان دادند که رابطه معنی‌داری بین این عوامل و امکان تهیه گزارش‌های زیست‌محیطی وجود دارد (۴۵). خواجه‌وی و اعتمادی‌جویریایی به بررسی علل و انگیزه‌های گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی پرداختند. هم‌چنین، به برخی از معایب گزارشگری سنتی در زمینه حسابداری مالی اشاره کردند و شیوه‌های توسعه چارچوب مناسب برای گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی را بیان کردند. آن‌ها با تحلیل الگوهای موجود به این نتیجه رسیدند که باید الزام‌ها و محرک‌های لازم برای گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی تدوین و ارائه شود (۴۶). بعضی از پژوهش‌ها نیز به مطالعه محتوای اطلاعاتی گزارش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و دیدگاه و انتظارات استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها پرداختند. خوش‌طینت و راعی گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌های ایرانی و تأثیر آن بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که این اطلاعات برای سرمایه‌گذاران دارای بار اطلاعاتی است و حدود ۲۶٪ تا ۳۸٪ بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است (۴۷). صالحی و آذری انتظارات و تصور استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را درباره مسئولیت اجتماعی

کالاهای تولیدشده و نسبت بدهی خدمات (بازپرداخت اصل و سود تضمین‌شده بدهی‌های غیرجاری) به کل بدهی‌های شرکت‌های تولیدی بود (۲۴). ابراهیم‌پور و همکاران چالش‌های حسابداری زیست‌محیطی را مطالعه کردند. آنان به بررسی سیر تاریخی و علل به وجود آمدن حسابداری زیست‌محیطی پرداختند و پیشنهادهایی در رابطه با به‌کارگیری استانداردها و قوانین مالیاتی در راستای ارتقای سلامت محیط زیست ارائه دادند (۶). حیدرپور و شهبازی به بررسی رابطه بین افشای زیست‌محیطی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی با مربوط بودن ارزش و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که کیفیت افشای زیست‌محیطی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی (شامل درصد مدیران غیرموظف، درصد مالکیت اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل و درصد مالکیت سهامداران نهادی) با مربوط بودن ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد (۷). مهربان‌پور و همکاران مفاهیم، فواید و کاربردها و اهداف حسابداری زیست‌محیطی در ایران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان به لزوم وجود استاندارد حسابداری برای ایجاد یکنواختی و ثبات رویه در گزارشگری زیست‌محیطی تأکید داشت (۸).

روش پژوهش

این پژوهش اثباتی از نوع اسنادکاوی است. داده‌های لازم از طریق بررسی گزارش‌های سالانه شرکت‌ها شامل صورت‌های مالی و گزارش مجمع عمومی

شرکت و مقدار افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی و رابطه منفی و معنی‌داری بین نوع صنعت و سطح افشا وجود دارد (۵۱). عرب‌صالحی و همکاران در پژوهشی رابطه عملکرد مالی شرکت‌ها و مسئولیت اجتماعی آن‌ها را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در برابر مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد اما با مسئولیت اجتماعی در برابر کارکنان و محیط زیست رابطه معنی‌داری مشاهده نشد (۵۲). علی‌خانی و مران‌جوری رابطه بین سطح افشای اجتماعی و زیست‌محیطی با سطح سودآوری را در شرکت‌های ایرانی بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که رابطه معنی‌داری بین سودآوری شرکت‌ها و سطح افشای اجتماعی و زیست‌محیطی وجود ندارد (۲۲). مران‌جوری و علی‌خانی به بررسی رابطه بین سطح افشای زیست‌محیطی و اجتماعی با دو سازوکار حاکمیت شرکتی، یعنی سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف در شرکت‌های ایرانی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که بین سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی و سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف رابطه معنی‌داری وجود ندارد (۲۳). حیدرپور و قرنی تأثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های مالی و عملیاتی و تعیین جایگاه حسابداری را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان‌دهنده تأثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های مالی و عملیاتی شرکت‌ها شامل مقدار تولید شرکت‌های تولیدی، میزان کاهش ضایعات، کمک‌های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکت‌های تولیدی، نوع

ورشکستگی، ادغام و ... را تجربه نکرده باشند. با در نظر گرفتن شروط بالا سرانجام ۵۹ شرکت به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شد. بازه زمانی پژوهش نیز به منظور ارزیابی سطح فعلی گزارشگری زیست محیطی در ایران و مقایسه آن با سال‌های گذشته برای بررسی روند تغییرات این نوع گزارشگری، سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ است.

شاخص گزارشگری زیست محیطی

در پژوهش‌های پیشین از شاخص‌ها و روش‌های مختلفی برای کمی کردن افشای زیست محیطی استفاده شده است. متداول‌ترین آن‌ها الگوی تحلیل محتوای ویزمن است (۵۱). در پژوهش حاضر از شاخصی که کلارکسون و همکاران بر اساس شاخص جی.آر.آی بسط داده‌اند، استفاده شده است (۱۶). شاخص کلارکسون و همکاران افشاگری‌ها را در هفت طبقه دسته‌بندی می‌کند. چهار طبقه اول شامل گزارشگری‌های عمیق یا به عبارتی عینی و اتکاپذیر است و شرکت‌هایی که عملکرد زیست محیطی ضعیفی دارند به سختی می‌توانند این موارد را افشا کنند. در حالی که سه طبقه آخر شامل گزارشگری‌های سطحی یا آسان است که شرکت‌ها به راحتی و بدون توجه به عملکرد واقعی‌شان در زمینه زیست محیطی می‌توانند در مورد آن ادعایی را مطرح کنند.

طبقه اول، بر گزارش ساختار حاکمیت و نظام‌های مدیریتی در رابطه با حفظ محیط زیست تمرکز دارد. طبقه دوم، اعتبار و قابلیت اتکا افشای زیست محیطی را نشان می‌دهد. طبقه سوم، مربوط به افشای شاخص‌های

صاحبان سهام گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوا، امتیاز افشای زیست محیطی استخراج شده است. سپس، با بهره‌گیری از شاخص اندازه‌گیری افشای زیست محیطی، که بر اساس رهنمود جی.آر.آی در پژوهش کلارکسون و همکاران (۱۶) ارائه شده است، سطح افشای زیست محیطی و محتوای آن در شرکت‌های ایرانی بررسی شد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندگانه بر اساس دو سطح افشای کل و سطح افشای عمیق با بکارگیری نرم‌افزارهای Excel نسخه ۲۰۱۳ و SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دو صنعت آلاینده و دو صنعت کم‌تر آلاینده بر اساس طبقه‌بندی انجام شده به وسیله سازمان حفاظت از محیط زیست انتخاب شد. صنایع انتخاب شده شامل دو صنعت آلاینده شیمیایی و کانی‌های غیرفلزی و دو صنعت کم‌تر آلاینده مواد غذایی و آشامیدنی و دستگاه‌های برقی است. برای انتخاب نمونه نهایی از روش غربال‌گری استفاده شد که شروط انتخاب نمونه به شرح زیر است:

۱. اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته در سال‌های بررسی شده در دسترس باشد؛
۲. برای حفظ قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد؛
۳. جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری نبوده و ماهیت تولیدی داشته باشد؛
۴. در سال‌های بررسی شده رویداد خاصی، مانند

سالانه شرکت‌ها با استفاده از الگوی زیر، به بررسی رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل پرداخته شد.

$$ENI = \beta_0 + \beta_1 OWN_i + \beta_2 LEV_i + \beta_3 AUDIT_i + \beta_4 SIZE_i + \beta_5 FIN_i + \beta_6 IND_i + \varepsilon$$

$i = 1, 2, 3, \dots, 60$

متغیر وابسته پژوهش به شرح زیر است و بر اساس پژوهش پیشین (۴۳) استخراج شده است:

ENI_i : نمره کسب شده برای افشای زیست‌محیطی که برای اندازه‌گیری این متغیر، آزمون فرضیه‌ها یک‌بار بر اساس نمره کل کسب‌شده برای گزارشگری زیست‌محیطی و بار دیگر بر اساس نمره کسب‌شده برای افشای عمیق زیست‌محیطی به‌عنوان آزمون مکمل انجام شده است.

متغیرهای مستقل پژوهش به شرح زیر است و بر اساس پژوهش پیشین (۴۳) استخراج شده است:

OWN_i : قدرت سهامداران که بر اساس درصد مالکیت سهامداران خرد اندازه‌گیری می‌شود.

LEV : قدرت اعتباردهندگان با استفاده از نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

$AUDIT$: قدرت حسابرسان که به منظور کمی‌سازی این متغیر، از رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی ارائه شده به‌وسیله جامعه حسابداران رسمی ایران استفاده می‌شود. به‌طوری‌که، چنانچه مؤسسه حسابرسی جزء مؤسسه‌های طبقه الف قرار گرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر به آن تعلق می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی پژوهش شامل موارد زیر است و بر مبنای روش انقطاع و مطالعه پژوهش‌های پیشین

عملکرد زیست‌محیطی است و بیشترین امتیاز را به خود اختصاص می‌دهد. این طبقه شامل اطلاعات معتبری است که شرکت با افشای آن می‌تواند ذی‌نفعان را در مورد عملکرد زیست‌محیطی خود متقاعد کند. طبقه چهارم، مخارج زیست‌محیطی انجام‌شده را نشان می‌دهد. طبقه پنجم، به افشای چشم‌اندازها و راهبردهای شرکت در مورد فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌پردازد. طبقه ششم، مربوط به ویژگی‌های زیست‌محیطی شرکت به‌عنوان نمونه، تأثیر صنعت بر محیط زیست یا قوانین زیست‌محیطی خاص، می‌شود. سرانجام طبقه هفتم، مربوط به طرح‌ها و رهنمودهای گزارشگری است که لزوماً تعهد واقعی شرکت در برابر محیط زیست را نشان نمی‌دهد. تفاوت این شاخص با سایر شاخص‌ها این است که افزون بر اندازه‌گیری نمره کل کسب‌شده برای افشای زیست‌محیطی، امتیاز کسب‌شده برای چهار طبقه اول نشان‌دهنده عمق و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده است و به نوعی کیفیت افشای زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. آزمون فرضیه‌ها یک‌بار بر اساس نمره کل کسب‌شده برای گزارشگری زیست‌محیطی و بار دیگر بر اساس نمره کسب‌شده برای افشای عمیق زیست‌محیطی به‌عنوان آزمون مکمل انجام شده است.

الگوی تجربی و تعریف متغیرها

پس از کمی‌کردن سطح افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها به وسیله شاخص مدنظر و محاسبه و استخراج متغیرهای مستقل و کنترلی از گزارش‌های

چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

مطابق با جدول شماره ۱ مقدار میانگین در دو سال بررسی شده، برای مقدار کل افشای زیست محیطی ۷/۱ و برای مقدار افشای عمیق زیست محیطی ۵/۴۴ است. مقدار چولگی برای این دو متغیر، به ترتیب، برابر با ۱/۸۵ و ۱/۹۷ است؛ یعنی توزیع این متغیرها از توزیع نرمال انحراف زیادی دارد که با تبدیل لگاریتمی مقدار چولگی برای متغیرهای وابسته، به ترتیب، برابر با ۰/۴۱- و ۰/۲۴- است و توزیع آن‌ها تقارن نسبی دارد و از این نظر، توزیع این متغیرها شبیه توزیع نرمال است. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی به تفکیک برای طبقه‌های مختلف افشا (طبقه یک تا هفت) نیز

(۱۸-۱۶، ۴۱ و ۴۳) استخراج شده است:

SIZE: اندازه شرکت که برابر با لگاریتم طبیعی جمع درآمدها است.
 FIN_i: عملکرد مالی از نسبت حاشیه سود شرکت به دست می‌آید.
 IND_i: برای کمی کردن نوع صنعت عدد یک به صنایع آلاینده و صفر به صنایع کم‌تر آلاینده تعلق می‌گیرد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱ شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی مانند انحراف معیار،

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیرها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
درصد سهامداران خرد	۱۱۶	۰/۰۰۰	۷۴/۴۷	۲۴/۱۲	۲۱/۰۹	۱۶/۲۵	۱/۰۲	۰/۷۵
نسبت بدهی	۱۱۶	۰/۰۱	۱/۰۳	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۲۱	(۰/۳۱)	(۰/۱۸)
اندازه شرکت	۱۱۶	۸/۹	۱۹/۵۳	۱۴/۴۲	۱۴/۱۲	۱/۹۲	۰/۴۵	۰/۵۱
عملکرد مالی	۱۱۶	(۰/۱۴)	۰/۹۸	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۷۹	۰/۱۶
مقدار کل افشای زیست محیطی	۱۱۶	۰/۰۰۰	۲۴	۷/۱	۵/۰۱	۶/۴۵	۱/۸۵	(۰/۲۸)
مقدار افشای عمیق زیست محیطی	۱۱۶	۰/۰۰۰	۲۳/۰۲	۵/۴۴	۴	۵/۲۹	۱/۹۷	۰/۲۲
لگاریتم مقدار کل افشای زیست محیطی	۱۱۶	۰/۰۰۰	۳/۲۲	۱/۶۹	۱/۷۹	۰/۹۸	(۰/۴۱)	(۰/۹۵)
لگاریتم مقدار افشای عمیق زیست محیطی	۱۱۶	۰/۰۰۰	۳/۲	۱/۴۶	۱/۵۹	۰/۹۷	(۰/۲۴)	(۱/۱۹)
طبقه اول افشا	۱۱۴	۰/۰۰۰	۳	۰/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۹	۰/۹۵	(۰/۰۹)
طبقه دوم افشا	۱۱۰	۰/۰۰۰	۴/۰۶	۰/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۹۸	۱/۳۹	۱/۰۵
طبقه سوم افشا	۱۱۵	۰/۰۰۰	۱۹	۳/۹۴	۳/۰۱	۴/۰۵	۱/۳۱	۱/۵۹
طبقه چهارم افشا	۱۱۲	۰/۰۰۰	۲/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۴	۴/۴۸	۲۰/۸۱
طبقه پنجم افشا	۱۱۴	۰/۰۰۰	۶/۰۰۶	۰/۶۹	۰/۰۰۰	۱/۰۳	۱/۹۷	۵/۲۴
طبقه ششم افشا	۱۱۵	۰/۰۰۰	۴/۰۸	۰/۵۲	۰/۰۰۰	۰/۷	۱/۶۱	۳/۹۱
طبقه هفتم افشا	۱۱۶	۰/۰۰۰	۳	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۰/۷۴	۱/۴۵	۱/۵۳

توزیع لگاریتم این متغیرها مطابق پیش‌بینی (شاخص‌های چولگی و کشیدگی نزدیک به صفر) نرمال است.

جدول شماره ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای برآورد الگو نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، مقدار احتمال معنی‌داری F برابر با ۰/۰۰۰ است و کم‌تر از ۵٪ است. بنابراین، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و الگو معنی‌دار است. میزان ضریب تعیین نیز برابر با ۰/۴ است و به این معنی است که در حدود ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون نیز برابر با ۱/۷۸ است. مقادیر در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ حاکی از نبود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها است که از فروض رگرسیون است.

مقدار آماره t برای درصد سهامداران خرد برابر با ۱/۵۵ است و طبق پیش‌بینی حضور بیشتر سهامداران خرد و مالکیت غیرمتمرکز رابطه مثبتی با سطح افشای زیست‌محیطی دارد اما با توجه به مقایسه سطح معنی‌داری متغیر با سطح خطای احتمال (۵٪) این رابطه از نظر آماری معنی‌دار نیست. در مورد نسبت بدهی و مؤسسه حسابرسی، ضرایب، به ترتیب، برابر با ۱/۶۳۶

ارائه شده است. توزیع مؤلفه‌های مختلف مقدار افشا چوله به راست و سایر متغیرها تقریباً متقارن است. بررسی میانگین افشا بر اساس طبقه‌های مختلف شاخص افشا از اول تا هفتم حاکی از آن است که بیشترین میزان میانگین افشا مربوط به طبقه سوم است که شاخص‌های عملکرد زیست‌محیطی را نشان می‌دهد و کم‌ترین میزان میانگین افشا مربوط به طبقه چهارم است که بیانگر افشای شرکت در رابطه با مخارج زیست‌محیطی است.

جدول شماره ۲ میانگین مقدار کل افشای زیست‌محیطی و مقدار افشای عمیق زیست‌محیطی را برای سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ به تفکیک نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، مقایسه میانگین مقدار کل افشای زیست‌محیطی و افشای عمیق زیست‌محیطی برای سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ روند افزایشی ملایم را نشان می‌دهد. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نیز برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته انجام شد. نتیجه این آزمون نشان داد مقدار احتمال برای متغیرهای وابسته برابر با ۰/۰۰۶ و ۰/۰۱ است که هر دو کم‌تر از ۵٪ است. این مقادیر برای لگاریتم این متغیرها، به ترتیب، برابر با ۰/۱۷۴ و ۰/۱۲۷ است که بیشتر از ۵٪ است؛ یعنی

جدول ۲: میانگین میزان افشا به تفکیک سال‌های مورد بررسی

سال ۱۳۹۴	سال ۱۳۹۰	میانگین
۷/۸۸	۶/۳۳	مقدار کل افشای زیست‌محیطی
۶/۰۳	۴/۸۴	مقدار افشای عمیق زیست‌محیطی

و ۰/۷۷- است. مقایسه سطح معنی داری متغیر نسبت بدهی با سطح خطای احتمال (۵٪) نشان می‌دهد که این متغیر بر مبنای انتظارات، رابطه مثبت و معنی داری با سطح افشای زیست محیطی دارد اما مقایسه سطح معنی داری متغیر مؤسسه حسابرسی با سطح خطای احتمال (۵٪) نشان می‌دهد که این متغیر رابطه معنی داری با سطح افشای زیست محیطی ندارد. مقدار آماره t برای متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت برابر با ۳/۶۱، عملکرد مالی برابر با ۴/۰۶ و برای نوع صنعت برابر با ۲/۹۶ است. با توجه به سطح معنی داری متغیرهای یادشده، مطابق با پیش‌بینی‌ها و مبانی نظری، ویژگی‌های شرکت شامل اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت، رابطه مثبت و معنی داری با مقدار افشای زیست محیطی شرکت دارد. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، شرکت‌هایی که نسبت بدهی بالاتری دارند به منظور تأمین وجوه مورد نیاز اقدام به افشای اطلاعات بیشتری می‌کنند. هم‌چنین، به دلیل

توجه بیشتر جامعه به شرکت‌های بزرگ، این شرکت‌ها به منظور کسب و حفظ حمایت جامعه سطح افشای زیست محیطی خود را افزایش می‌دهند. افزون بر این، با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد شرکت‌های با عملکرد مالی مثبت برای ارتقاء شهرت و اعتبار خود و نیز شرکت‌های فعال در صنایع آلاینده به منظور حفظ مشروعیت خویش، اطلاعات زیست محیطی بیشتری افشا می‌کنند.

برای اطمینان از یافته‌های پژوهش، آزمون مکمل با در نظر گرفتن مقدار افشای عمیق زیست محیطی به عنوان متغیر وابسته انجام شد. جدول شماره ۴ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود مقدار احتمال معنی داری F برابر با ۰/۰۰۰ است. این مقدار کم‌تر از ۵٪ است و نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد الگو معنی دار است. میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۳۳ است. بنابراین، حدود ۳۳ درصد از

جدول ۳: برآورد و آزمون مقدار متغیرهای الگو

متغیرها	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال	انحراف معیار	VIF
مقدار ثابت	(۲/۱۰۷)	(۳/۴۶)	۰/۰۰۱	۰/۶۰۹	-
درصد سهامداران خرد	۰/۰۰۷	۱/۵۵	۰/۱۲۴	۰/۰۰۵	۱/۰۵
نسبت بدهی	۱/۶۳۶	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۳۹۱	۱/۲۲
مؤسسه حسابرسی	(۰/۷۷)	(۰/۴۶)	۰/۶۴۴	۰/۱۶۷	۱/۱۲
اندازه شرکت	۰/۱۵	۳/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۴۲	۱/۲۶
عملکرد مالی	۱/۹۶۲	۴/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۱/۳
نوع صنعت	۰/۴۸۴	۲/۶۹	۰/۰۰۸	۰/۱۸	۱/۲۱
مقدار F		۱۱/۴۸	مقدار احتمال F		۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۴	دوربین-واتسون		۱/۷۸

جدول ۴: برآورد و آزمون مقدار متغیرهای الگوی آزمون مکمل

متغیرها	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال	انحراف معیار	VIF
مقدار ثابت	(۱/۹۴۵)	(۳/۰۳)	۰/۰۰۳	۰/۶۴۲	-
درصد سهامداران خرد	۰/۰۰۷	۱/۳۳	۰/۱۸۶	۰/۰۰۵	۱/۰۵
نسبت بدهی	۱/۴۰۸	۳/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۴۱۲	۱/۲۲
مؤسسه حسابرسی	(۰/۱۶)	(۰/۹۲)	۰/۳۶۲	۰/۱۷۴	۱/۱۲
اندازه شرکت	۰/۱۴	۳/۲۱	۰/۰۰۲	۰/۰۴۴	۱/۲۶
عملکرد مالی	۱/۷۳۶	۳/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۵۰۹	۱/۳
نوع صنعت	۰/۴۵۷	۲/۴۱	۰/۰۱۸	۰/۱۹	۱/۲۱
مقدار F		۸/۴۷	مقدار احتمال F		۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۳۳	دوربین-واتسون		۱/۹۳

تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۹۳ است و حاکی از نبود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها است. میزان شاخص افزایش واریانس نیز در بیشترین مقدار برابر با ۱/۳ است و نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل هم‌خطی (همبستگی) وجود ندارد. هم‌چنین، نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که نتایج آزمون مکمل نیز با نتایج آزمون اصلی هم‌خوانی دارد و با مقایسه مقدار t متغیرها و مقدار α (۵٪)، فقط متغیرهای نسبت بدهی، اندازه شرکت، نوع صنعت و عملکرد مالی رابطه معنی‌داری با مقدار افشای عمیق زیست‌محیطی دارد.

نتیجه‌گیری

توجه فزاینده افشار مختلف جامعه به مشکلات زیست‌محیطی موجب ظهور و توسعه گزارشگری

زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر شده است؛ به گونه‌ای که پیامدهای غیراقتصادی فعالیت‌های واحدهای تجاری مانند آثار زیست‌محیطی، یکی از عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. بنابراین، ارزیابی کیفیت و میزان گزارشگری زیست‌محیطی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این‌رو، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر اساس نظریه ذی‌نفعان و نظریه مشروعیت است. به نحوی که، بر اساس نظریه ذی‌نفعان رابطه بین قدرت ذی‌نفعان با مقدار افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها بررسی و متغیرهای نسبت بدهی، رتبه مؤسسه‌های حسابرسی و درصد سهامداران خرد به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت ذی‌نفعان به عنوان متغیرهای اصلی پژوهش انتخاب شد. هم‌چنین، و بر اساس نظریه مشروعیت رابطه بین سایر عوامل احتمالی مؤثر بر افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها بررسی و متغیرهای اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت

ذی نفعان (۴۳) و نتایج پژوهش لو و آیسکارا (۱۹) می‌توان گفت قدرت اعتباردهندگان بر سطح گزارشگری زیست‌محیطی و محتوای آن تأثیرگذار است.

نتایج پژوهش حاضر هم‌چنین نشان می‌دهد که هر سه متغیر مربوط به ویژگی‌های شرکت شامل اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت، رابطه مثبت و معنی‌داری با مقدار افشای زیست‌محیطی شرکت‌های بررسی شده دارد. بنابراین، فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم پژوهش تأیید می‌شود. این نتایج شواهدی مبنی بر تأیید نظریه مشروعیت در محیط فعالیت شرکت‌های ایرانی بررسی شده (۱۷) ارائه می‌دهد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، همان‌طور که نظریه مشروعیت پیش‌بینی می‌کند، شرکت‌های بزرگ‌تر که با فشارهای بیشتری در مورد فعالیت‌های خود از سوی جامعه مواجه هستند، تلاش بیشتری برای ارائه اطلاعات به‌منظور به دست آوردن حمایت جامعه انجام می‌دهند؛ شرکت‌هایی که عملکرد مالی مثبت و حاشیه سود زیادی دارند، انگیزه بیشتری برای ارائه اطلاعات و ارتقای شهرت و اعتبار خود نزد جامعه دارند و برعکس. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین نوع صنعت و سطح افشای زیست‌محیطی وجود دارد. شرکت‌هایی که در صنایع آلاینده مشغول فعالیت هستند در معرض فشار بیشتری از طرف ذی‌نفعان و به‌طور کلی جامعه قرار دارند و ناچارند برای حفظ مشروعیت خود اطلاعات بیشتری افشا کنند. نتایج به‌دست‌آمده مطابق با نتایج پژوهش‌های پیشین مانند کرمیر و همکاران (۳۷)،

به‌عنوان متغیرهای کنترلی انتخاب شد. سپس، با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه فرضیه‌های پژوهش بررسی شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس آزمون همبستگی نشان می‌دهد درصد سهامداران خرد و رتبه مؤسسه‌های حسابرسی رابطه معنی‌داری با میزان افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها ندارد. بنابراین، فرضیه‌های اول و سوم پژوهش پذیرفته نشد. در نتیجه، قدرت سهامداران و حسابرسان از عوامل تأثیرگذار بر سطح گزارشگری زیست‌محیطی نیست. این یافته‌ها مغایر با نظریه ذی‌نفعان است که رابطه مثبتی بین قدرت ذی‌نفعان و مقدار افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها پیش‌بینی می‌کند (۴۳). هم‌چنین، نتایج به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های پیشین مانند کرمیر و همکاران (۳۷) و لو و آیسکارا (۱۹) در یک راستا نیست. از جمله دلایل احتمالی مغایرت می‌توان به تفاوت ساختار مالکیت شرکت‌های موجود در بازار سرمایه ایران اشاره کرد به نحوی که در مقایسه با سایر کشورها، سهام شناور آزاد پایین‌تر و مالکیت دولتی بیشتری دارند. افزون بر این، با توجه به اینکه در ایران مؤسسات حسابرسی بین‌المللی وجود ندارد ممکن است شیوه تعریف متغیر قدرت حسابرس در این پژوهش بر نتایج آن تأثیر گذاشته باشد. هم‌چنین، این احتمال وجود دارد که حسابرسان ایرانی با افشای زیست‌محیطی و اهمیت و لزوم آن آشنا نباشند. سایر نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نسبت بدهی و سطح گزارشگری زیست‌محیطی وجود دارد. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته شده و مطابق با نظریه

حنیفا و کوک (۲۸)، کوپر و زین‌الدین (۲۹)، لی و مک‌نومی (۳۰) و برامر و پاولین (۳۳) است. سرانجام، برای اطمینان از نتایج به‌دست‌آمده، آزمون مکمل با استفاده از مقدار افشای زیست‌محیطی عمیق به‌عنوان متغیر وابسته اجرا شد. نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون نیز مطابق با نتایج آزمون قدرت ذی‌نفعان با سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی بود، به این ترتیب که قدرت سهامداران و مؤسسه حسابرسی هیچ رابطه معنی‌داری با سطح افشای زیست‌محیطی عمیق ندارد، درحالی‌که نتایج آزمون مکمل نیز نشان می‌دهد که نسبت بدهی، یعنی قدرت اعتباردهندگان و هر سه متغیر اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت، رابطه مثبت و معنی‌داری با مقدار افشای عمیق دارد. این نتیجه بیانگر این است که قدرت اعتباردهندگان و ویژگی‌های شرکتی مانند اندازه شرکت، عملکرد مالی و نوع صنعت، نه تنها بر سطح کل افشای زیست‌محیطی مؤثر است بلکه بر محتوا و عمق افشای زیست‌محیطی نیز تأثیرگذار است. هم‌چنین، مقایسه میانگین مقدار افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ نشان می‌دهد علی‌رغم اندک بودن مقدار افشای زیست‌محیطی، چه در سطح کل و چه در سطح افشای عمیق، مقدار افشای این اطلاعات در طی دو سال بررسی شده، روند رو به رشدی داشته و افزایش ملایمی در میانگین افشای زیست‌محیطی شرکت‌ها مشاهده می‌شود. این روند نشان‌دهنده افزایش تمایل شرکت‌های ایرانی برای گزارش این قبیل اطلاعات است. تفاوت در سطح و عمق گزارشگری زیست‌محیطی بین شرکت‌ها به دلیل سلیقه‌ای و

داوطلبانه بودن این نوع گزارشگری در ایران است که می‌تواند بر تصمیم‌گیری گروه‌های استفاده‌کننده تأثیر گذاشته و پیامدهای اقتصادی به همراه داشته باشد. شایان ذکر است در تفسیر نتایج پژوهش حاضر باید به محدودیت پژوهش در کنترل نکردن اثر احتمالی سایر متغیرها اشاره کرد. به‌منظور رفع این محدودیت و مقایسه دقیق‌تر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پیشنهاد می‌شود متغیرهای کنترلی دیگری افزون بر متغیرهای کنترلی این پژوهش نظیر ویژگی‌های ساختار حاکمیت شرکتی، نیز در پژوهش‌های آینده مدنظر قرار گیرد.

پیشنهادها

نتایج پژوهش حاضر نیز مانند پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که سطح گزارشگری زیست‌محیطی تحت تأثیر برخی متغیرها مانند ویژگی‌های شرکت یا قدرت گروه‌های ذی‌نفع نظیر اعتباردهندگان قرار می‌گیرد و شرکت‌هایی با ویژگی‌های متفاوت یا داشتن اعتباردهندگان با قدرت متفاوت سطح متفاوتی از افشا را برای پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های خود خواهند داشت. این در حالی است که الزام به گزارشگری زیست‌محیطی به وسیله نهادهای ذیصلاح و سیاست‌گذاران و وضع استانداردها و مقرراتی در این مورد، می‌تواند موجب یکنواختی در سطح و محتوای این نوع گزارشگری و ارتقای کیفیت آن شود. در این راستا، پیشنهادهای مندرج در صفحه بعد بر اساس نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

جمله هیأت تدوین استانداردهای حسابداری نیز پیشنهاد می‌شود با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، سایر شرکت‌هایی را که ویژگی‌های یاد شده را ندارند (به عنوان نمونه، اندازه شرکت کوچک است، در صنایع آلوده کننده به فعالیت مشغول نیستند و یا سطوح عملکرد مالی آن‌ها پایین است) و کم‌تر به دنبال مشروعیت بخشی به فعالیت‌های خود هستند، با وضع استانداردها و رویه‌های مشخص برای گزارش نتایج زیست محیطی فعالیت‌های آن‌ها، شکل و محتوای واحدی به این نوع گزارشگری بدهند. این کار بی‌شک قابلیت مقایسه این نوع گزارش‌ها را ارتقا داده و به تصمیم‌های اقتصادی باکیفیت‌تری در سطح جامعه منتهی خواهد شد. پژوهشگران آینده می‌توانند در پژوهش‌های خود با توجه به ساختار شرکت‌های موجود در بازار سرمایه ایران، تأثیر سایر ابعاد قدرت سهامداران بر افشای زیست محیطی به وسیله شرکت‌ها را بررسی کنند. همچنین، تأثیر متغیرهایی مانند سن شرکت، ویژگی حسابرس و ساختار هیأت مدیره که بر میزان توجه جامعه به شرکت تأثیر دارد بر افشای زیست محیطی را مطالعه کرده تا مشخص شود شرکت‌هایی که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند به منظور کسب مشروعیت در جامعه افشای زیست محیطی بیشتری انجام می‌دهند یا خیر.

تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

با توجه به نتیجه فرضیه دوم پژوهش و رابطه مثبت بین نسبت بدهی و سطح افشای اطلاعات زیست محیطی، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی، بانک‌های کشور را ملزم کند در هنگام اعطای تسهیلات به واحدهای تجاری عملکرد زیست محیطی و نحوه پاسخ‌گویی آن‌ها را نیز ارزیابی کنند تا ضمن بررسی موقعیت راهبردی شرکت‌ها در درازمدت، آن‌ها را به کنترل هرچه بهتر پیامدهای زیست محیطی فعالیت‌های خود و پاسخ‌گویی بیشتر در این مورد ترغیب کنند.

بر مبنای نتایج فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم پژوهش و هم‌راستا با نظریه مشروعیت که نشان داد ویژگی‌های شرکت شامل اندازه شرکت، نوع صنعت و عملکرد مالی با سطح افشای اطلاعات زیست محیطی رابطه معنی‌داری دارد به نظر می‌رسد برخی از شرکت‌ها، در معرض فشار بیشتری از سوی ذی‌نفعان و جامعه قرار دارند و لذا تمایل بیشتری برای حرکت در جهت توسعه پایدار دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت روز افزون مفهوم توسعه پایدار و به ویژه ابعاد زیست محیطی آن، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران این مهم را در تحلیل ارزشگذاری سهام مدنظر قرار دهند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران هر سال شرکت‌ها را بر اساس گزارشگری زیست محیطی و محتوای آن رتبه‌بندی کند تا سهامداران و سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به عملکرد زیست محیطی شرکت و نحوه پاسخ‌گویی آن بتوانند از این اطلاعات به‌عنوان شاخصی مهم در تصمیم‌گیری استفاده کنند. به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر مراجع ذی‌صلاح از

References

- 1 Uwalomwa U, Jafaru J. Corporate environmental disclosure in the Nigerian manufacturing industry: A study of selected firms. *African Research Review*. 2012;6(3):71-83.
- 2 Rahmani A, Bashirimanash N. A review of the information disclosure literature in Iran. *Accounting Research*. 2015;4(4):35-68. Persian.
- 3 Iatridis G. Accounting disclosure and firms' financial attributes: Evidence from the UK stock market. *International Review of Financial Analysis*. 2008;17(2):219-241.
- 4 Dianati Deylami Z, Khodakarami E. The impact of environmental news on stock prices of the companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*. 2017 Oct 6;23:189-212. Persian.
- 5 Ahmadi M, Valipoor H, Zeraatkish Y. Presenting a model for financial and non-financial environmental reporting with a Fuzzy approach. *Journal of Health Accounting*. 2019;8(1):1-22. Persian.
- 6 Ebrahipour M, Ilami Roud Moajani F, Khosravi Zadband H. Environmental accounting and its challenges towards it in Iran. *Journal of Health Accounting*. 2015;4(3):108-128. Persian.
- 7 Heidarpour F, Shahbazi N. Investigating the relationship between the environmental disclosure and the corporate governance mechanisms with relevance to value and performance. *Journal of Health Accounting*. 2015;4(2):60-86. Persian.
- 8 Mehrbanpour M, Jondaghi M, Aghdam R, Ghorbani H. Environmental accounting. *Accounting and Auditing Studies*. 2016;4(2):32-47. Persian.
- 9 Tagesson T, Blank V, Broberg P, Collin SO. What explains the extent and content of social and environmental disclosures on corporate websites: A study of social and environmental reporting in Swedish listed corporation. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*. 2009 March 30;16(6):352-364.
- 10 Radhouane I, Nekhili M, Nagati H, Paché G. The impact of corporate environmental reporting on customer-related performance and market value. *Management Decision*. 2018 Jul. 9;56(7):1630-1659.
- 11 Uyar A, Karaman AS, Kilic M. Is corporate social responsibility reporting a tool of signaling or greenwashing? Evidence from the worldwide logistics sector. *Journal of Cleaner Production*. 2020 Apr. 20;(253):1-31.
- 12 Malekian E, Fakhari H, Jafae Rahni M. Impact of board of directors' characteristics on environmental, social, and corporate governance reporting. *Journal of Accounting Knowledge*. 2019;10(2):77-112. Persian.
- 13 Giannarakis G, Andronikidis A, Sariannidis N. Determinants of environmental disclosure: Investigating new and conventional corporate governance characteristics. *Annals of Operations Research*. 2019 Jul.;294(1):1-19.
- 14 García-Ayuso M, Larrinaga C. Environmental disclosure in Spain: Corporate characteristics and media exposure. *Spanish Journal of Finance*

- and Accounting. 2003;32(115):184-214.
- 15 Deegan C. Financial accounting theory. 4th ed, Australia: McGraw-Hill; 2002.
- 16 Clarkson PM, Li Y, Richardson GD, Vasvari FP. Revisiting the relation between environmental performance and environmental disclosure: An empirical analysis. Accounting, Organizations and Society. 2008;4(5):303-327.
- 17 Liu X, Anbumozhi V. Determinant factors of corporate environmental information disclosure: An empirical study of Chinese listed companies. Journal of Cleaner Production. 2009;17(6):593-600.
- 18 Dong S, Burritt R, Qian W. Salient stakeholders in corporate social responsibility reporting by Chinese mining and minerals companies. Journal of Cleaner Production. 2014;(84):59-69.
- 19 Lu Y, Abeysekara I. Stakeholder power, corporate characteristics and social and environmental disclosure. Journal of Cleaner Production. 2014;64(1):426-436.
- 20 Deegan C, Blomquist C. Stakeholder influence on corporate reporting: An exploration of the interaction between WWF-Australia and the Australian minerals industry. Accounting, Organizations and Society. 2006;4(5):343-372.
- 21 Alikhani R, Maranjory M. Application of theories of disclosure of environmental and social information. Accounting and Auditing Studies. 2013;3(4):46-73. Persian.
- 22 Alikhani R, Maranjory M. An investigation on the relationship between social and environmental information disclosure level and firms performance in Iran. International Research Journal of Applied and Basic Sciences. 2013;5(1):125-128.
- 23 Maranjori M, Alikhani R. Social responsibility disclosure and corporate governance. Accounting and Auditing Review. 2014;3(3):329-348. Persian.
- 24 Heidarpour F, Gharani M. The impact of environmental accounting on financial and operational indexes of manufacturing companies. The Financial Accounting and Auditing Researches. 2015;26(7):39-50. Persian.
- 25 Parsa S, Kouhy R. Social reporting by companies listed on the alternative investment market. Journal of Business Ethics. 2008;79(3):345-360.
- 26 Naser K, Al-Hussaini A, Al-Kwari D, Nuseibeh R. Determinants of corporate social disclosure in developing countries: The case of Qatar. Advances in International Accounting. 2006;(19):1-23.
- 27 Ahmad Z, Hassan S, Mohammad J. Determinants of environmental reporting in Malaysia. International Journal of Business Studies. 2003;11(1):69-90.
- 28 Haniffa RM, Cooke TE. The impact of culture and governance on corporate social reporting. Journal of Accounting & Public Policy. 2005;24(5):391-430.
- 29 Cooper P, Zainudin F. Determinants of international variation in the quality of corporate responsibility reporting. British Accounting Association Conference, Dundee, Scotland. 2009 Sep. 2-4: 1-20.
- 30 Li Y, McConomy BJ. An empirical examination of factors affecting the timing of environmental accounting standard adoption and the impact on

- corporate valuation. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*. 1999;14(3):279-313.
- 31 Suttipun M, Stanton P. Determinants of environmental disclosure in Thai corporate annual reports. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*. 2012;2(1):99-115.
- 32 Cormier D, Magnan M, Velthoven B. Environmental disclosure quality: Do firms respond to economic incentives, public pressure or institutional conditions. *European Accounting Review*. 2005;14(1):1-37.
- 33 Brammer S, Pavelin S. Factors influencing the quality of corporate environmental disclosure. *Business Strategy and the Environmental*. 2008;17(2):120-136.
- 34 AL-Tuwajri S, Christesen T, Hughes K. The relation among environmental disclosure, environmental performance, and economic performance: A Simultaneous equations approach. *Accounting, Organizations and Society*. 2004;29(6):447-471.
- 35 Ajinkya B, Bhojraj S, Sengupta P. The association between outside directors, institutional investors and the properties of management earnings forecasts. *Journal of Accounting Research*. 2005;43(3):343-375.
- 36 Peters GF, Romi AM. The effect of corporate governance on voluntary risk disclosures: Evidence from greenhouse gas emission reporting. *Portland State University's 5th International Conference on Business and Sustainability*; 2012 Jul. 30:1-58.
- 37 Cormier D, Aerts W, Ledoux MJ, Magnan M. Web-based disclosure about value creation processes: A monitoring perspective. *Abacus*. 2010;46(3):320-347.
- 38 Trireksani T, Djajadikerta H. Corporate governance and environmental disclosure in the Indonesian mining industry. *Australian Accounting, Business and Finance Journal*. 2016;10(1):18-28.
- 39 Ohidoa T, Omokhudu O, Oserogho I. Determinants of environmental disclosure. *International Journal of Advanced Academic Research*. 2016; 2(8):49-58.
- 40 Mejida MA, Hakim BO. A study of the determinants of corporate environmental disclosure in MENA emerging markets. *Journal of Review on Global Economics*. 2013;(2):48-59.
- 41 Mahdavi Gh, Daryaei A, Alikhani R, Maranjory M. The relation of firm size, industry type and profitability to social and environmental information disclosure. *Journal of Empirical Research in Accounting*. 2015;5(1): 87-103. Persian.
- 42 Welbeck EE, Owusu GMY, Bekoe RA, Kusi JA. Determinants of environmental disclosures of listed firms in Ghana. *International Journal of Corporate Social Responsibility*. 2017;2(1):1-12.
- 43 Baalouch F, Ayadi S, Hussainey KH. A study of the determinants of environmental disclosure quality: Evidence from French listed companies. *Journal of Management and Governance*. 2019;23(4):939-971.
- 44 Hasas Yegane Y, Barzegar Gh. Theoretical foundations of corporate social responsibility and research paradigms in professional accounting. *Management Accounting*. 2012;7(3): 109-133. Persian.
- 45 Jenani M, Heidari M. Feasibility of implementation of environmental

- reporting in Iran. *Management Accounting*. 2011;4(2):69-84. Persian.
- 46 Khajavi Sh, Etemadi Jooriaby M. Corporate social responsibility and its reporting. *Journal of Health Accounting*. 2015;4(2):104-123. Persian.
- 47 Khosh Tianat M, Raie H. The impact of social accounting information on investor's decision making. *Accounting and Auditing Review*. 2004;11(3):73-92. Persian.
- 48 Salehi M, Azary Z. Stakeholders' perceptions of corporate social responsibility: Empirical Evidence from Iran. *International Journal of Business Research*. 2009;2(1):63-72.
- 49 Yaftian A, Wise V, Cooper K, Mirshekari S. Corporate social reporting performance in a developing country: Evidence from Iran. *Problems and Perspectives in Management*. 2013;11(1):50-58.
- 50 Bagherpour Vlashani M, Jahanbani M, Zafarzadeh S. Social reporting framework and basics: Nature, context, causes, benefits. *Hesabdar Rasmi*. 2011;15 (15):84-94. Persian.
- 51 Talebnia G, Vakilifard H, Yaghoubnezhad A, Alikhani R. Corporate social and environmental disclosure in developing countries: Evidence from Iran. *Management Science Letters*. 2013;3(1):135-146.
- 52 Arabsalehi M, Sadeghi Gh, Moeinaddin M. The Relationship Between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of the Firms Listed on the Tehran Exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting*. 2013;3(9):1-20. Persian.